



آیا کسی حواسش به آسیب روحی که این نوجوان اردبیلی در چند روز اخیر دیده، بوده است؟

## آسیب روحی امیرمحمد‌ها کیک نیست



عطشه همتی دبیرگروه نقد روز

اساتید موسیقی و مداحی وقتی یک هنرجوی نوجوان سراغ‌شان می‌آید، معتقدند سن حساسی دارد و باید مراعات حنجره و صدایش را بکنند تا در آینده صدایش خراب نشود و در نتیجه آینده هنری‌اش از بین نرود. برای همین برخی اساتید در سنین نوجوانی به هنرچوهایشان می‌گویند توقف کوتاهی داشته باشند یا گاهی اصلا نخوانند، چون حنجره‌شان درحال شکل‌گیری و رشد است و ممکن است با فشاری که به آن می‌آورند دچار صدمه جبران‌ناپذیری شود. اما حساسیت سن نوجوانی مختص سلامتی تن و بدن یک نوجوان نیست و هر اتفاقی در این سن ممکن است آینده او را دچار چالش‌های جدی کند.

در شب پلدای تلویزیون اما یک نمونه از عدم رعایت این هنجار را شاهد بودیم. وقتی امیرمحمد همان پسر نوجوان اینستاگرامی که با جمله «واگعیه یا کیکه» مشهور شده به تلویزیون آمد و درباره خودش و کارهای اینستاگرامی‌اش حرف زد و حتی به درآمد بالایش از اینستاگرام اشاره کرد. هیچ‌کس حواسش به اتفاقی که قرار است برای او بیفتد نبود. درست بعد از دعوت امیرمحمد تا همین لحظه بسیاری از فعالان فرهنگی از دست خالی تلویزیون برای دعوت از میهمانان سخن به میان آوردند. برخی نیز نوشتند که اوضاع آقدر به هم ریخته و پیچیده شده که تلویزیون دارد میهمانانش را از اینستاگرام فیلترشده تامین می‌کند. برخی نیز گفتند که او الگوی مناسبی برای همسن و سال‌هایش نیست و این کار تلویزیون باعث می‌شود که همسن و سال‌های امیرمحمد به جای آنکه حواس‌شان به درس و مشق‌شان باشد، پی‌تولید محتواهای بی‌خاصیت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌روند تا هم پول خوب به دست بیاورند و هم اینطور که پیدا است تلویزیون هم به آنها رغبت نشان دهد.

حتی برخی از آنها که این پسر نوجوان اردبیلی را می‌شناختند، گفتند امیرمحمد یک نوجوان باهوش و درس‌خوان در یکی از مدارس سپیدار در شهر اردبیل است که نمراتش هم نشان می‌دهد یک دانش‌آموز ممتاز است، اما این دانش‌آموز ممتاز به جای آنکه با ممتاز بودنش دیده شود و اصلا به سمت تولید تخصص و تولید علم در آینده برود، مسیرش به‌گونه‌ای رقم خورده است که در آینده به سمت تولید محتواهایی از جنس کیک است یا نیست، برود که هیچ‌آزده علمی نه برای خودش دارد و نه برای کشور. این استعداد ذاتی او با این مسیر هدر خواهد رفت. استعداد ذاتی که ممکن است امیرمحمد‌های زیادی را نیز به جای آنکه به سمت نخبگی و تولید علم و دانش سوق بدهد، به سمت تولید شوهای سهل و آسان اما بی‌محتوای مجازی ترغیب کند.

اما نکته‌ای که در چند روز اخیر نسبت به آن غفلت شده، فشار روحی و روانی‌ای بوده که بعد از شب پلدا سر این نوجوان بااستعداد اردبیلی آمده است. در این چند روز هنرمندان زیادی علیه امیرمحمد موضع گرفته‌اند و حتی با نقدهای تند و تیزی به این اقدام تلویزیون تاخته‌اند. برخی دعوت از او را به‌سخره گرفته‌اند. به‌گونه‌ای که به‌طور قطع می‌توان گفت فضای اینستاگرامی که امیرمحمد غلط یادرمست دارد در آن زیست می‌کند و روزی او را حسابی به شهرت رساند بود و تکیه‌کلام‌هایش دست به‌دست می‌چرخید، در چندروز اخیر تبدیل به فضایی کامل علیه او شده است. عکس و فیلم او دائم در این صفحات پست می‌شود و محتواهایی کاملا ضد این نوجوان منتشر می‌شود. آیا هنگام دعوت از امیرمحمد به این بخش از زندگی‌اش فکر شده بود؟ آیا این نوجوان بااستعداد که این روزها در فصل امتحانات خود است توان تحمل چنین فشار و هجمه‌ای را در فضای رسانه‌ای کشور دارد؟ آیا او بلوغ فکری و روانی لازم برای تحمل این فشارها را دارد؟ به گفته کادر مدرسه و اطرافیان‌اش او دانش‌آموز ممتاز مدرسه است. آیا این دانش‌آموز ممتاز ضربه روحی درباره آنچه این روزها علیه‌اش شکل گرفته نخواهد خورد؟ او این روزها سیبل تلویزیون شده است. کارشناسان فرهنگی و رسانه‌ای وقتی می‌خواهند ضعف تلویزیون را در برنامه‌سازی برای شب پلدا نشان دهند، دعوت از امیرمحمد را ممال می‌زنند. این موضوع با آینده این نوجوان چه کار خواهد کرد؟ آیا فقط آمده بود بخشی از آنتن تلویزیون را پر کند؟ کسی این روزها از احوالات این پسرپچه اینستاگرامی که در کوتاه‌مدتی در شبکه مشهور شده است و در کوتاه‌مدتی نیز این حجم محتوا ضدش منتشرشده خبر دارد؟ اینها همه سوالاتی است که باید آتهایی‌ش جواب بدهند که برای پر کردن آنتن خود یک روز از کچلیک‌ها و روز دیگر از امیرمحمد‌ها استفاده می‌کنند.

این یادداشت نه کاری با فیلترینگ اینستاگرام دارد و نه با اینکه همان اینستای فیلترشده میهمان و دعوت می‌شود، حتی کاری هم با ضعف برنامه‌سازی تلویزیون ندارد. همه حرف این است که آیا وقتی از یک نوجوان در چنین سن حساسی و زمان پرپریننده‌ای دعوت می‌کنید و سوالات ناخفته‌ای از او می‌پرسید که ناپخته‌تر جواب می‌دهد حواس‌تان به آینده و فشار و هجمه‌ای که قرار است تحمل کند، بوده است یا اینکه یک جواب تک‌خطی برایش وجود دارد؟ اینکه «فکرش را نمی‌کردیم!» آیا کسی وجود دارد که آنقدر مسئولیت اجتماعی روی‌شانه‌هایش احساس کند که نسبت به آنچه برای روح و روان این پسرپچه اردبیلی در حساس‌ترین دوران زندگی‌اش رخ داده پاسنگو باشد یا آنکه قرار است امیرمحمد در یک مصاحبه فرمالیته یا ویدئویی نمایشی بگوید حالش خیلی هم خوب است و انتقادات رویش تأثیری نگذاشته است؟

لطف کنید برای برنامه‌های دیگری که قرار است ساخته شود یا میهمانانی که قرار است کمتر از سه‌ماه دیگر آنتن رسانه‌ملی‌را برای شب عید و تحویل سال بزنند، این هنجارهای اجتماعی را لحاظ کنید.

ردپای خرابکاری‌های ادامه‌دار دولت سوئد علیه مردم ایران

# رد پای خرابکارها در استکهلم



گروهک نمی‌شد. کشور سوئد نیز نسبت به حکم اسبود بی‌واکنش نماند. وزیر خارجه سوئد نیز بدون اشاره به اتهامات و فعالیت‌های تروریستی و کشتن مردم ایران، حکم اسبود را مجازاتی غیرانسانی و غیرقابل برگشت خواند. در همین راستا بود که کاردار ایران در سوئد نیز احضار شد.



زهرا طبیبی دبیرگروه نقد روز

واقعیت ماجرا این است که در طول این سال‌ها روابط ایران و سوئد چندان دوستانه نبوده است. بخش زیادی از خرابکاری‌ها، جاسوسی‌ها و اقدامات تروریستی و امنیتی که در ایران انجام می‌شد، عامل ماجرا به افرادی وصل می‌کرد که تابعیت سوئدی داشتند و اتفاقا این اقدامات با همکاری سازمان‌های تروریستی رژیم صهیونیستی انجام شده بود. اخیرا نیز پای سازمان منافقین موسوم به مجاهدین به ماجرا نیز باز شده است. قصه محاکمه حمید نوری و پرونده‌سازی‌ها برای محکوم کردن او در دادگاه منجر به بروز بگومگوهای دیپلماتیک میان مقامات این دو کشور شده، امری که رسانه‌های فارسی‌زبان نیز به دنبال مقصرنمایی ایران در ماجرا هستند.

### داستان جاسوس‌های سوئدی

این روزها ماجرای محاکمه جاسوس دوتابعیتی سوئدی، به صدر اخبار رسانه‌های فارسی‌زبان تبدیل شده است. موضوعی که این بار از جانب این رسانه‌ها مطرح می‌شود، این است که او بدون اتهامات متقن و تنها به دنبال تلافی‌جویی و در پاسخ به محاکمه حمید نوری بازداشت شده اما نگاهی به برخی اقدامات و فعالیت‌های برخی جاسوسان بازداشت شده نشان می‌دهد که فلودروس تنها جاسوس سوئدی نبوده که به این اتهام بازداشت شده است. هنوز خاطره تلخ حمله به مردم در روز رژه ارتش در ۳۱ شهریور سال ۹۷ در اهواز فراموشی‌ناشد، تصاویری که از این حمله منتشر می‌شد، بیست‌تداعی‌کننده حملاتی بود که داعشی‌ها در کشورهای دیگر انجام می‌دادند. مشابه این حمله‌ها را مردم ایران در دهه ۶۰ در عملیات منافقین دیده بودند. با این وجود چند دقیقه بعد از این حمله تروریستی، سرکرده یک گروهک روی آنتن شبکه تازه‌تاسیس اینترنت‌شال رفت و مشخصا مسئولیت این حمله را به عهده گرفت. گروهک تروریستی «حرکه التضال» به رهبری «حیبب اسبود» در سال ۷۸ فعالیت خود را آغاز کرد و تجزیه‌طلب‌ها حضور و نقش مؤثری در فعالیت‌های این گروهک داشتند. حادثه تروریستی اهواز اما اولین اقدام تروریستی این گروه نبود. پیش از این بمب‌گذاری در فرمانداری اهواز در سال ۸۴، حمله به تاسیسات پمپ‌آب در یکی از روستاهای شوشتر در سال ۸۸، بمب‌گذاری در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خوزستان در سال ۸۴ بخشی از فعالیت‌های تروریستی این گروهک بوده که در طول چندسال گذشته آن را انجام داده بود. نکته مهم اما ارتباط

این گروهک با کشورهای خارجی و سازمان‌هایی است که به اقدام علیه امنیت ملی ایران مشغول بودند. همکاری با سازمان موساد، دیدار و جلسات با مقامات آمریکایی ازجمله مولاردی است که سرکرده این گروهک از همکاری با آنها صحبت به میان آورده است. موضوعی که اسبود سرکرده این گروهک بعد از اینکه در سال ۹۹ در ترکیه بازداشت شد در اعترافاش از جزئیات این همکاری با مقامات و سازمان‌های تروریستی گفت. اسبود در اظهاراتش از حمایت سازمانی به نام «سبو» صحبت به میان آورد. آژانس امنیتی اطلاعاتی سوئد که برای مبارزه با جاسوسی و مقابله تروریسم فعالیت می‌کند. اسبود البته تابعیت سوئد را نیز دارد و در جلسه دادگاه به این موضوع اشاره کرد که مورد حمایت دولت و مقامات امنیتی کشور سوئد است و گفت: «دستگاهی به من دادند که در صورت احساس خطر دکمه آن را فشار دهم تا با هشدارای که به ماموران امنیتی دولت سوئد می‌دهد، هرجا که باشیم آنها من را نجات دهند.» اسبود به وضوح از همکاری چند سرویس امنیتی در جریان انجام اقدامات تروریستی علیه ایران صحبت به میان آورده بود. در کنار نام سازمان سیا و موساد که سابقه روشنی در اقدام علیه مردم ایران دارند، نام سرویس امنیتی کشور سوئد هم به چشم می‌خورد. بازداشت‌ها و اما پایان ماجرا نبود و بعد از آن فضاسازی‌های رسانه‌های فارسی‌زبان برای مقصرنمایی ایران در جریان دستگیری اسبود آغاز شد. این فضاسازی‌ها بعد از اعلام حکم اعدام او شدت پیدا کرد، نقطه اتکای این رسانه‌ها در مورد پرونده اسبود اعدام این سرکرده گروهک تروریستی بود. این موضوع البته در شرایطی مطرح می‌شد که هیچ اشاره‌ای به اتهامات، فعالیت‌های تروریستی و کشتار مردم ایران توسط این

گروهک نمی‌شد. کشور سوئد نیز نسبت به حکم اسبود بی‌واکنش نماند. وزیر خارجه سوئد نیز بدون اشاره به اتهامات و فعالیت‌های تروریستی و کشتن مردم ایران، حکم اسبود را مجازاتی غیرانسانی و غیرقابل برگشت خواند. در همین راستا بود که کاردار ایران در سوئد نیز احضار شد.

### سوئدی‌ها یک سمت ترور شهید شهریاری

نزدیک ۵ سال پیش جاسوس دوتابعیتی بازداشت شد که در حال همکاری با سازمان موساد بود. احمدرضا جلالی جاسوس دوتابعیتی ایرانی-سوئدی بود که در حوزه مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای، اطلاعات و آگاهی‌داشت، جلالی بعد از اینکه در مصاحبه استخدای شرکت پوششی موساد، رد می‌شود، کارشناسان موساد با او ارتباط می‌گیرند و فعالیت و همکاری جلالی با موساد آغاز می‌شود. نکته جالب ماجرا این بود که در روند همکاری او با موساد همواره کمک‌ها، امتیازات، هزینه سفرها و کمک‌تحصیل از جانب شرکت بیمه سوئدی برای او واریز می‌شد که جلالی ظاهرا در آزمون استخدای آن رد شده بود. جلالی در ادامه همکاری خود با موساد همزمان با سازمان انرژی اتمی ایران ارتباط می‌گیرد و با نزدیک شدن به اعضای این سازمان اطلاعاتی از فعالیت تروریستی ایران به دست می‌آورد و در اختیار موساد قرار می‌دهد. در این میان اطلاعات نزدیک به ۳۰ متخصص ایرانی در سازمان انرژی اتمی به دست موساد می‌رسد. برپینای اطلاعاتی که جلالی در اختیار موساد قرار داده بود، شهید علی‌محمدی و شهید شهریاری ترور می‌شوند. جلالی با وجود اینکه متوجه می‌شود اطلاعاتی که او در اختیار موساد قرار داده منجر به ترور شهید علی‌محمدی شده است اما همچنان انتقال اطلاعات به موساد را ادامه می‌دهد. نهایتا نیز بعد از بازداشت این جاسوس برای او حکم اعدام صادر می‌شود که هنوز اجرایی نشده است. چند روزی می‌شود که رسانه‌های فارسی‌زبان بار دیگر نام احمدرضا جلالی، جاسوس سوئدی را تکرار می‌کنند. نگرانی از وضعیت نامساعد او و اظهار نگرانی خانواده او از شرایط ازجمله مولاردی هستند که در رسانه‌های فارسی‌زبان به چشم می‌خورند، موضوعی که به نظر می‌رسد به دنبال اثبات این امر است که ایران برای پاسخ دادن به حکم حمید نوری در دادگاه سوئد به دنبال اجرای آن است. در این میان نیز افزایش فشارهای بین‌المللی نیز دنبال این ماجرا آمده است. موضوعی که منجر به واکنش کمیساریای عالی حقوق بشر شد و اعلام حکم او را اقدامی تلافی‌جویانه بعد از اعلام حکم حمید نوری خواند.

### شیطنت‌های ادامه‌دار سوئدی‌ها

به نظر می‌رسد قصه جاسوس‌های سوئدی و ارتباط آنها با سازمان تروریستی موساد تمامی ندارد. این روزها نیز دادگاه رسیدگی به اتهامات تبعه سوئدی آرمند اتحادیه اروپا در حال برگزاری است. اولین دادگاه رسیدگی به اتهامات او در آخرین روزهای فروردین ۱۴۰۱ تشکیل شد. اتهاماتی که تا اینجا‌ی برگزاری دادگاه در ایران متوجه اوست، ارتباط با نمایندگان مرتبط با گروهک تروریستی منافقین، همکاری با نهادها و سرویس‌های اطلاعاتی اروپا و اسرائیل در ایران با پوشش کارمند اتحادیه اروپا، سفر به سرزمین‌های اشغالی و ارتباط با عوامل رژیم صهیونیستی ازجمله اتهامات یوهان فلودروس بود. موضوعی که با واکنش وزارت خارجه سوئد همراه شد و ضمن تایید بازداشت تبعه ۳۰ ساله خود، اعلام کرد که در حال بررسی این موضوع هستند. این روزها و پیش از اعلام حکم دادگاه سوئد درباره حمید نوری، موضوع رسیدگی به اتهامات این جاسوس سوئدی بار دیگر به صدر اخبار این رسانه‌ها تبدیل شده است. پیش از این نیز مقامات سوئدی این ادعا را مطرح می‌کردند که فلودروس بدون وجود دلیل متقن و دقیق بازداشت شده و تنها برای سفر تفریحی وارد ایران شده است. این موضوع تا آنجا ادامه پیدا کرد که وزیر خارجه سوئد، بازداشت فلودروس را خودسرانه خواند و گفت: «هیچ مبنایی برای در بازداشت ماندن فلودروس وجود ندارد، چه رسد به اینکه او را در دادگاه محاکمه کنند.» با این وجود جلسات رسیدگی به اتهامات این جاسوس سوئدی با حضور کاردار سفارت سوئد و مترجم آن در حال برگزاری است. سوئدی‌ها البته به ایجاد فضای رسانه‌ای برای افزایش فشار بر ایران، عادت دارند. در این میان نیز از جانب خانواده فلودروس اظهاراتی مبنی بر شرایط سخت و نگران‌کننده حضور فرزندشان در

زندان‌های ایران مطرح شد. موضوعی که ایران در واکنش بخشی از جلسات گفت‌وگو و شرایطی که فلودروس داشت را منتشر کرد.

### ردپای صهیونیست‌ها در محکومیت حمید نوری در دادگاه

نگاهی به روابط ایران و کشور سوئد نشان می‌دهد که در چندسال اخیر این روابط چندان دوستانه نبوده است، جاسوس‌های متعددی که در پوشش‌های مختلف و با همراهی موساد راهی ایران می‌شدند، روابط با ایران را با چالش‌هایی همراه کرده است تا آنجا که سوئد از شهروندانش خواست تا از سفر به ایران خودداری کنند. با این حال اتفاقات چند وقت اخیر سطح دعوی دیپلماتیک میان ایران و سوئد را افزایش داده است. بازداشت حمید نوری که با تلاش و پرونده‌سازی سازمان منافقین در سوئد برگزار شد، یکی از این موارد بود. اقدامی که با توجه به تخلفاتی که در دادگاه سوئد انجام شد، محدودیت‌های ملاقات حمید نوری با خانواده‌اش و حتی محدودیت ارتباط تلفنی با آنها شبانه جهت‌دار بودن رسیدگی به این پرونده را تقویت می‌کرد. علاوه‌بر سازمان سپو که سابقه اقدام علیه ایران را نیز دارد، به نظر می‌رسد تنها اعضای سازمان منافقین نیستند که در این پرونده اعمال نفوذ کردند و شاید آنها تنها مجریان این کار بودند. اما پروژه‌ای که شاید بیش از محاکمه حمید نوری مورد توجه قرار داشته باشد، همان منزوی کردن ایران در عرصه‌های بین‌المللی و محکوم کردن آن است. امری که در جریان اتفاقات و ناآرامی‌های سال گذشته از جانب گروه‌های مختلف برانداز مطرح می‌شد و به دنبال محدود کردن ایران در مجامع جهانی و عرصه‌های بین‌الملل و ترویسیت خواندن این کشور بود. امری که به نظر می‌رسد اجرای بخشی از آن از جانب کشور سوئد که البته ردپای اقدامات رژیم صهیونیستی نیز در آن دیده می‌شود، صورت گرفته است. موضوعی که با نگاهی به سوابق فعالیت‌ها و اقدامات سوئد علیه ایران نشان می‌دهد این اقدامات تنها محدود به رسیدگی به دادگاه حمید نوری نبوده است، جاسوس‌هایی که با بهانه‌های مختلفی راهی ایران شده‌اند موید این موضوع است. اگرچه درباره بازداشت و دستگیری حمید نوری در دادگاه سوئد دعواهای حقوقی متفاوتی وجود دارد که هنوز نیز محل بحث است و به وضوح اعمال نفوذ در انتشار رای این دادگاه دیده می‌شود و فرزند حمید نوری نیز در واکنش به رای دادگاه اعلام کرد که شکایت خود را به دادگاه‌های بین‌المللی خواهد برد. اما این توقع وجود دارد که ایران در قبال این اقدامات دولت سوئد واکنش مناسبی نشان دهد. امری که سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به اعلام رای دادگاه نیز بر آن تأکید کرد و گفت: «جمهوری اسلامی، حق خود را برای برداشتن گام‌های متناسب محفوظ می‌داند.» در همین راستا نیز برخی رسانه‌های فارسی‌زبان در واکنش به دادگاه فلودروس و اعلام حکم جلالی رسیدگی به این اتهامات را پاسخی در قبال اعلام حکم دادگاه حمید نوری می‌دانند، موضوعی که البته چندان دقیق به نظر نمی‌رسد؛ چراکه برپینای آنچه در این دادگاه برگزار می‌شود، متمماتی که تاکنون در دادگاه ایران محاکمه شده‌اند، اتهامات و اسناد مشخصی مبنی‌بر انجام اقدامات جاسوسی علیه ایران برای آنها وجود داشته، افرادی که درز اطلاعات از جانب آنها منجر به ترور شخصیت‌های موثر در ایران شده است. البته در نقطه مقابل اتهامی نیز از جانب ایران متوجه دادگاه سوئد است که بازداشت و محکوم کردن حمید نوری در دادگاه این کشور در پاسخ به محکومیت جاسوس‌های این کشور مثل احمدرضا جلالی و فلودروس در ایران صورت گرفته است. این بار نیز به نظر می‌رسد رسانه‌های فارسی‌زبان با فضاسازی‌ها به دنبال افزایش فشار بر ایران و محکوم کردن ایران در رسیدگی به اتهامات این جاسوسان هستند. اما نکته دیگری که همچنان در این میان مطرح می‌شود امکان جابه‌جایی و مبادله جاسوسان سوئدی با حمید نوری است، موضوعی که این روزها با شدت بیشتری از جانب رسانه‌های فارسی‌زبان مطرح می‌شود اما تاکنون از جانب مقامات ایرانی واکنشی نسبت به وقوع چنین مبادله‌ای مطرح نشده است. با این حال می‌توان این گزاره را مورد توجه قرار داد که توجه و رسیدگی به اتهامات فلودروس جاسوس سوئدی در ایران همزمان با اعلام حکم تجدید نظر دادگاه سوئدی، برای افزایش فشار بر دولت سوئد در پاسخ به موضع‌گیری این دادگاه علیه ایران بوده است.